

## تأثیر ایدئولوژی پهلوی بر رشد اسلام‌سیاسی (مطالعه نقش مطبوعات کیهان و اطلاعات 1340 - 1357)

دکتر حسن حضرتی\*  
حسینعلی قربانی\*\*

### چکیده

ایران در دو دهه پایانی حاکمیت پهلوی، شاهد جدال دو گفتمان پهلویسم و اسلام انقلابی بود. تقابل این دو گفتمان از عللی چند سرچشمه می‌گرفت. از جمله عواملی که به نزاع گفتمان‌های مزبور می‌افزود، مطبوعات به ویژه دو مؤسسه اطلاعات و کیهان بود. این دو مؤسسه بزرگترین شبکه رسانه‌ای ایران را تشکیل و حجم وسیعی از مخاطبان را پوشش می‌دادند. مسئله اصلی تحقیق این است که چرا با وجود تبلیغ ایده‌های گفتمان حاکم از سوی این دو مؤسسه، گفتمان اسلام سیاسی به گفتمان مسلط جامعه تبدیل شد؟ به عبارت دیگر، مطبوعات این دوره به عنوان بخشی از گفتمان تجددگرای حکومتی چگونه زمینه‌ساز پیدایش، رشد و گسترش ایدئولوژی تشیع انقلابی شدند؟ بر اساس نتایج پژوهش، تبلیغ گسترده انقلاب سفید و پوشش ندادن انتقادهای مخالفین در این باره و حتی توهین و تخریب آنان به گسترش اندیشه‌های ضد سلطنتی در گفتمان اسلام سیاسی انجامید؛ رواج غرب‌گرایی سبب درپیش گرفتن سیاست‌های ضدامپریالیستی از سوی گفتمان رقیب شد و اسلام به عنوان یک ایدئولوژی ضد امپریالیستی مطرح شد؛ پذیرش و تبلیغ عرفی‌گرایی که

---

\*. دانشیار تاریخ دانشگاه تهران  
hazrati@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی  
q.hosein@gmail.com

تاریخ پذیرش: 96/1/24

تاریخ دریافت: 95/12/25

عمدتاً با تقدس زدایی از امور مقدس جامعه همراه بود، موجب رواج این اندیشه از سوی حاملان گفتمان اسلامی شد که دین و سیاست توأمان و غیرقابل تفکیک‌اند؛ تلاش مطبوعات برای به خدمت گرفتن مذهب با برجسته کردن جنبه‌های شفاعت جویانه، سوگوارانه و فاجعه‌نگر آن، سبب تقویت خوانش‌های شهادت جویانه و ظلم‌ستیزانه از مذهب و الگوهای مذهبی در گفتمان اسلام سیاسی شد، چنانکه قیام امام حسین  $\beta$  برای به دست‌گیری قدرت و تعویض حکومت تفسیر شد.

## واژگان کلیدی

تجددگرایی حکومتی، مطبوعات اطلاعات و کیهان، پهلوی دوم، انقلاب سفید، غرب‌گرایی، عرفی‌گرایی.

### 1. مقدمه

ایران در اواخر دهه 70 میلادی با سلسله زنجیرواری از حوادثی روبرو شد که در نهایت به انقلابی بزرگ انجامید. در یک سوی حوادث، گفتمان تجددگرایی حکومتی برای بقاء تلاش می‌کرد و در سوی دیگر گفتمان اسلام‌گرای انقلابی به دنبال تغییر در ساختار سیاسی بود. گفتمان تجددگرایی حکومتی سعی در انجام نوسازی شتاب زده و به زعم خود همه‌جانبه داشت و از عناصری همچون انقلاب سفید، ناسیونالیسم، عرفی‌گرایی و غرب‌گرایی بهره می‌برد و در طرف مقابل، ایدئولوژی مخالفان حکومت یعنی گفتمان اسلام سیاسی قرار داشت که پس از کودتای 1332 ش بیشتر بروز و جلوه یافت تا آنجا که در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی به گفتمان مسلط تبدیل گشت. (معدل 1382: 151) برای شناخت ریشه‌های تقابل این دو گفتمان و همچنین پیوند علی میان آن دو می‌باید تحولات تاریخ معاصر ایران به ویژه از دهه‌ی چهل شمسی به بعد بررسی شود. بخشی از این شناخت را می‌توان از طریق مطبوعات به دست آورد. مطبوعات در حکم پازلی از گفتمان زمینه (گفتمان پهلویسم) در تقابل بیش از پیش این دو گفتمان نقش تأثیرگذاری داشتند. در سه دهه پایانی حکومت پهلوی قریب بیست روزنامه کثیرالتنشار در تهران منتشر می‌شد. بنا به گفته‌ی مسعود برزین، «چهارده روزنامه از آنها هر بامداد در تهران منتشر می‌شد و مجموع تیراژ تمام آنها از تیراژ دو روزنامه عصر یعنی کیهان و اطلاعات کمتر بود.» (برزین 1344: 29 - 27) همچنین نشریات چاپ عصر بیشتر توجه خوانندگان را جلب می‌کرد. با این توصیفات می‌توان گفت دو موسسه‌ی

کیهان و اطلاعات در سطوح و گروه‌های مختلف اجتماع نفوذ کرده بود و برای کودکان، جوانان، زنان و ورزشکاران نشریه‌ای تخصصی داشتند. به جرات می‌توان گفت در اکثر کلان شهرهای ایران کمتر خانواده‌ای بود که به نحوی از محصولات این دو مؤسسه مطبوعاتی استفاده نکند. از آنجایی که مؤسسان اطلاعات و کیهان یعنی عباس مسعودی و مصطفی مصباح زاده از شخصیت‌های تأثیرگذار درون حاکمیت پهلوی بودند؛ (milani 2008: 395,400) بنابراین می‌توان گفت گفتمان غالب این دو رسانه گفتمان پهلویسم یا تجددگرایی حکومتی بود. با عنایت به دو جمله‌ی پیشین یعنی ارتباط تنگاتنگ میان مطبوعات و اقشار مختلف اجتماع و ترویج گفتمان زمینه از سوی مطبوعات و همچنین اشراف بر این موضوع که مشارکت کنندگان اصلی انقلاب سال 1357 ش اقشار مختلف شهری بودند، ابهام اصلی پژوهش مشخص می‌شود که چگونه با وجود تبلیغات گسترده‌ی مطبوعات گفتمان زمینه؛ مردم، طبقات اجتماعی و اکثریت نخبگان جامعه به گفتمان رقیب پیوستند و از این گفتمان تبری جسته، در تولید محتوای گفتمان اسلام سیاسی نقش ایفا کردند و زمینه انقلاب اسلامی را فراهم کردند. به عبارت دیگر، مطبوعات این دوره به عنوان بخشی از گفتمان تجددگرایی حکومتی چگونه زمینه‌ساز پیدایش، رشد و گسترش ایدئولوژی تشیع انقلابی شدند و بازتاب دهنده‌ی چه ایده‌ها و نشانه‌هایی از مؤلفه‌های گفتمان تجددخواهی بودند که با واکنش منفی مردم روبرو شد؟ بررسی محتوای نشریات این دو مؤسسه که محور اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد، پاسخی به پرسش بالا است. نوع پژوهش، توصیفی - تحلیلی و متکی بر اسناد و داده‌های تاریخی است.

## 2. چارچوب نظری

در این پژوهش از نظریه گفتمان اپیزودیک منصور معدل استفاده می‌شود. جوهره نظریه معدل آن است که عناصری از گفتمان زمینه (گفتمان تجددگرایی حکومتی) در رشد گفتمان رقیب (اسلام سیاسی) تأثیرگذار هستند. او اعتقاد دارد که در فرآیند تولید ایدئولوژی نیز هر سوی گفتگو، تولید ایدئولوژی طرف مقابل را شکل می‌دهد. (moaddel 2006:15). بنا به مدل گفتمانی منصور معدل، ساخت گفتمان زمینه ممکن است شامل یک گفتمان یا مجموعه متکثری از گفتمان‌ها باشد. عناصر به وجود آورنده گفتمان زمینه می‌تواند تنها مجموعه ساده‌ای از ایده‌ها باشد یا نظام‌های پیچیده فلسفی یا نظری را شامل شود. سادگی یا پیچیدگی گفتمان زمینه، سطح پیچیدگی، سادگی، ظرافت، دقت و موشکافی ایدئولوژی‌هایی که تولید می‌شوند را مشخص می‌سازد. معدل بر این عقیده است که ایده‌های تولید شده جدید با افتراق میان گفتمان‌های موجود، به تقابل این ایدئولوژی‌ها کمک

می‌کند: چون ایده‌های جدید در روابط فرق گذارانه و افتراقی با گفتمان‌های موجود شکل گرفته و تکوین می‌یابند، تمامی ایدئولوژی‌های جدید در ذات و ماهیت خود ایدئولوژی‌هایی تقابلی و رویاروشین هستند. بنا به گفته‌ی او ماهیت قدرت ایدئولوژی زمینه و جایگاه آن در فضای سیاسی - اجتماعی جامعه، جهت گیری سیاسی یا اجتماعی ایدئولوژی جدید را مشخص می‌سازد. زیرا تولید ایدئولوژی جدید نه تنها مستلزم نقد ایدئولوژی زمینه بلکه مستلزم نقد پایه‌های نهادی آن نیز است. (Ibid, 15) بنابراین از برخورد دو دسته از متغیرها - ماهیت ایدئولوژی زمینه و جایگاه آن در رابطه با دولت - چهار نوع وضعیت ممکن برای تولید ایدئولوژی بوجود می‌آید:

الف) اگر ایدئولوژی زمینه شامل ایدئولوژی‌هایی متفاوت باشد و در نتیجه تعداد متکثری قلمرو گفتمانی وجود داشته باشد، فرآیند تولید ایدئولوژی جدید به سمت طرح و ارائه درونمایه‌ها و اندیشه‌های متفاوت و متنوع گرایش خواهد یافت و ایدئولوژیی التقاطی، کثرت‌گرا و میانه‌رو بوجود خواهد آمد.

ب) از سوی دیگر، اگر ایدئولوژی زمینه تنها شامل یک ایدئولوژی باشد، یعنی یک قلمرو گفتمانی یکدست و یکپارچه وجود داشته باشد، ایدئولوژی جدید تمایل به طرح و ارائه مجموعه‌ای از درونمایه‌ها و ایده‌های متمرکز داشته و ایدئولوژیی وحدت‌گرا به وجود خواهد آمد (moaddel 16: 2006). منصور معدل در توضیح این دو وضعیت می‌گوید: در جایی که پلورالیسم فرهنگی وجود دارد، بازار ایده‌ها قوی، گسترده، شکوفا و گوناگون خواهد بود و رقابت میان گروه‌های ایدئولوژیک افزایش می‌یابد. در چنین محیط فکری متکثری، تولیدکنندگان ایدئولوژی باید برای جلب نظر مصرف‌کنندگان بالقوه جهان بینی به رقابت با یکدیگر بپردازند. آنان برای موفقیت در بازار یابی برای ایده‌های خود، باید به دیدگاه‌های متفاوت طرفداران ایدئولوژی‌های رقیب توجه کنند. از این رو، در یک بافت متکثر ایدئولوژی‌های التقاطی و میانه‌رو دارای فرصت بهتری برای موفقیت در جذب و جلب نظر مخاطبان ذی نفع هستند. از سوی دیگر، در یک فضای فکری متمرکز و یکپارچه، تولیدکنندگان گفتمان رقیب با یک ایدئولوژی مسلط روبرو خواهند بود که غالباً ساده و معمولی تدوین شده است. ایدئولوژی جدید معمولاً با ملاک ضدیت و مخالفت آن با گفتمان زمینه شناخته و تعریف می‌شود. (Ibid)

ت) هنگامی که گفتمان زمینه ارتباط ضعیفی با دولت داشته باشد و نخبگان حاکم به مباحثات و مجادلات ایدئولوژیک بی تفاوت و بی‌علاقه باشند، در آن صورت فرآیند تولید ایدئولوژی به قلمرو جامعه مدنی محدود می‌شود و جهت‌گیری غالب اجتماعی و غیر سیاسی پیدا می‌کند. گفتمان‌های

زمینه‌ای که غیر سیاسی هستند، گفتمان مخالف غیرسیاسی را به وجود می‌آورند. (ج) هنگامی که گفتمان زمینه با دولت پیوند مستحکمی داشته باشد و نخبگان حاکم علاقه‌مندانه وارد مباحث و مسائل فرهنگی شوند و بکوشند ایدئولوژی خاصی را رواج دهند، در آن صورت فرآیند تولید ایدئولوژی سیاسی شده و جهت‌گیری سیاسی پیدا می‌کند. در این زمینه گفتمانی و بافت اجتماعی است که ایدئولوژی‌های سیاسی پدیدار می‌شوند. (moaddel 2006: 16, 17)

هر چقدر گفتمان زمینه به قدرت دولتی نزدیک‌تر باشد، احتمال اینکه شاهد پیدایش ایدئولوژی-های سیاسی مخالف باشیم بیشتر است. به عبارت دیگر، هر چقدر میزان دخالت دولت در قلمرو فرهنگ بیشتر باشد، احتمال پیدایش ایدئولوژی‌های سیاسی بیشتر است؛ و هر چقدر میزان دخالت دولت در قلمرو فرهنگ کمتر باشد، احتمال پیدایش ایدئولوژی‌های اجتماعی بیشتر است. (مهرآئین 1386: 338, 339) منصور معدل با طرح‌ریزی نظریه فوق، ظهور گفتمان اسلامی سیاسی را در تقابل با گفتمان پهلویسم توصیف می‌کند (Moaddel, 1992: 364) معدل معتقد است در جریان انقلاب ایران ایدئولوژی دولت پهلوی - ستایش از پادشاهی و تاریخ باستان ایران و نادیده گرفتن دوره اسلامی از محورهای اصلی آن بودند (همان) - به مشخص شدن هویت مخالفان و ظهور گفتمان اسلام انقلابی کمک کرد. نیروهای مخالفی که در پی تغییر دولت بودند، ایدئولوژی دولت را ایدئولوژی ناحق و نادرست می‌دانستند.

### 3. یافته‌های پژوهش برجسته‌سازی ایدئولوژی پهلوی در مطبوعات (1342) - (1357)

پیش از ورود به جزئیات این گفتار، به سخنانی اشاره می‌شود که به طور کلی، نگرش تبلیغی مطبوعات در بافت گفتمان زمینه را بازتاب می‌دهد. در این نوشته، با طعنه زدن به سنت‌ها و با به کار بردن عبارت «قید سنت‌ها»، کنار گذاشته شدن آن موهبتی دانسته شده و از آن به افتخار یاد شده است. علاوه بر این سیاست‌های کلی گفتمان زمینه در موضوعات مختلف و نتایج حاصل از آن به مثابه یک تجدد و عصر نو بازنمایی شده است: «سیاست فرهنگی یا نظام فرهنگی ایران، شالوده‌ای است برای انطباق دادن میراث‌های فرهنگی این سرزمین با شرایط خاص دوران نوینی که در تاریخ اجتماعی کشور آغاز گشته است. این نکته محتاج به استدلال و اثبات نیست که تحولات ناشی از اجرای یک سلسله برنامه‌ی انقلابی، مملکت ما را به معنای کامل کلمه در مسیر دورانی تازه از روابط اجتماعی قرار داده است. دورانی که مشخصات عمده آن عبارتند از دگرگونی روابط طبقاتی، تجدید

نظر اساسی در حقوق زن و مرد، پیوستن قشر عظیمی از زنان ایرانی به طبقه فعاله کشور، انقلاب صنعتی و انقلاب آموزشی، توسعه اقتصادی و افزایش تعداد باسوادان از طریق مبارزه وسیع بر ضد بیسوادی.. با این خصوصیات، جامعه امروزی ما یک جامعه نوین محسوب می‌شود که قدم‌های نخستین را در راه آزاد شدن از قید سنت‌ها و معیارهای پوسیده و فرسوده با موفقیت به جلو برداشته است.» (اطلاعات، 6 مهر 1348: 2) با این توصیفات، کیهان و اطلاعات نگرشی همسو با کلیات چنین تغییراتی داشتند و آن را از اعداد تجدد به حساب می‌آوردند. اکنون به جزئیات همسویی این دو موسسه با مولفه‌های گفتمان زمینه که در جمع‌بندی آنان نشانه‌هایی از تجدد و «عصر نوین» بود، اشاره می‌شود:

### 3- 1. انقلاب سفید

در گفتمان پهلویسم، انقلاب سفید و اصول نوزدگانه آن از مهمترین عناصری بود که رسالت آن مدرن سازی جامعه و انتقال آن از یک جامعه قرون وسطایی به یک جامعه پیشرفته و متجدد بود. (فرگوزلو 2006: 5، 7) انقلاب سفید در نظر داشت طی مدت کمتر از یک نسل به چنان پیشرفت‌های سریع و اساسی دست یابد که جامعه ایرانی را به آستانه «تمدن بزرگ» برساند. این تمدن بزرگ «کمال مطلوبی است که می‌باید سیر تکامل چند هزار ساله تاریخ و فرهنگ ایران بدان برسد». (پهلوی، 1356: 232) برای ترویج این گفتمان روزنامه‌های اطلاعات و کیهان دست به کار شدند و سرمقاله‌ها و یادداشت‌های ویژه انقلاب سفید نگاشتند. آنان با پیوند انقلاب سفید به انقلاب مشروطیت، تنها مسیر رشد و تعالی ایران را در گذر از انقلاب سفید و اصول آن می‌دانستند: «همانطور که انقلاب مشروطیت در روابط اجتماعی ما تغییرات شگرفی بوجود آورد، انقلاب سفید ایران نیز بار دیگر در روابط اجتماعی جامعه ما تحولات عمیقی ایجاد کرد و انقلاب مشروطیت را کامل ساخت. دهقانان کشور آزاد شدند، ارزش واقعی کارگران مورد توجه قرار گرفت، زنان کشور از حقوق اجتماعی و سیاسی برخوردار گردیدند». (اطلاعات 16 مرداد 1348: 1) «تصور اینکه می‌توان در را بروی خود بست و با یک سیستم خاصی بدون تماس با دنیای خارج و راندن افکار نو از سر حد می‌توان زندگی کرد تصوری بیهوده و باطل است». (کیهان 7 فروردین 1342: 1، 12) نهایت اینکه تعریف و تمجید از انقلاب سفید به تبعیت از گفته‌های شاه، به جایی رسید که در سال‌های پایانی عمر حکومت پهلوی دوم نوشتند: «انقلاب ایران برای همه مردم جهان سودبخش بود». (اطلاعات 5 بهمن 1354: 68، 69)

از آنجایی که انقلاب سفید با هدف تسهیل زندگی کارگران و دهقانان و ممانعت از انقلاب کمونیستی اجرا می‌شد، نشریات اطلاعات و کیهان بیشترین تأکیدشان در میان اقشار مختلف مردم به روی کارگران و دهقانان متمرکز بود؛ حتی در صفحه اخبار شهرستان‌ها و حوادث نیز اخبار این دو قشر بیش از همه برجسته می‌شد: «به عنوان اعتراض به شعارهایی که در دانشگاه داده شد، کارگران و کشاورزان تظاهرات وسیعی بر پا کردند ... گزارش می‌رسد که در گوشه و کنار کشور از طرف طبقات مختلف، مخصوصاً کشاورزان، به طرفداری از اصول انقلاب ایران و محض ابراز انزجار نسبت به نغمه‌های ناموزونی که بر ضد انقلاب و بعنوان نفی آثار انقلاب سفیدساز شده است دست به تظاهرات زده‌اند». (اطلاعات 1 دی 1349: 1، 2، 12) کیهان نیز با چاپ عکس یک زن چادری نوشت: «زنان کارگر در انتخابات شرکت کردند». (کیهان 4 اردیبهشت 1342: 7) در واقع این روزنامه‌ها با اخذ گفتمان حکومتی - که همواره مخالفین را با برجسب مرتجعین و مخالفین تجدد و همدست ملاکان ستمگر تحقیر می‌کرد - به دنبال ایجاد دوگانه مرتجعین و زمینداران از یک سو و سایر مردم به ویژه طبقات ذی‌نفع در انقلاب سفید (زارعین، کارگران و زنان) از سوی دیگر بودند. برای نمونه کیهان در خبری از ناآرامی در قم، مخالفین را مهاجم و مظلومین حادثه را دهقانان و کارگران معرفی می‌کند: «روز دوم فروردین در قم هنگامی که یکی از وعاظ به نام آقای انصاری به منبر رفته بود ضمن وعظ درباره حقوق زنان صحبت می‌کند و از طرف جمعیت صلوات فرستاده می‌شود و با یکدیگر به زد و خورد می‌پردازند و در همین حین عده‌ای از پشت بام مسجد سنگ پرتاب می‌کنند و در اثر اصابت سنگ به یکی از افراد که زارع بوده است موجب کشته شدن مصدوم می‌گردد». (کیهان، 6 فروردین 1342: 11)

یکی از ادعاهای شاه همواره این بود که انقلاب سفید، بدون خونریزی، جنگ و ناامنی تحقق یافته است در حالی که سایر انقلاب‌های جهان بدون خونریزی نتوانسته‌اند تغییری ایجاد کنند: «انقلاب ما بر پایه معنویت و محبت و دوستی و عشق و تفاهم تکوین یافته است». (پهلوی 1350: 31) این ایده نیز از سوی نشریات اخذ شده و در تأیید و تفسیر پدیده انقلاب سفید و اقناع مخاطبان به کار گرفته می‌شد. آنان ابتدا بین انقلاب مورد نظر شاه و تجدد نسبت برقرار می‌کردند، سپس به تفسیر آن می‌پرداختند: «به نظر ما تحول و رشد اقتصادی و رفاه عمومی، هر جامعه در گرو متابعت از ایدئولوژی مترقی و ارائه برنامه در زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی می‌باشد ... دو توصیه یکی دیگر از متفکران عصر ما این است که در جنبش‌های اجتماعی مبارزه برای بدست آوردن کمال مطلوب نیست بلکه بر سر به ثمر رساندن آن است؛ و در این صورت نباید همیشه آماده جان باختن در راه

کمال مطلوب بود، بلکه باید در راه به ثمر رساندن آن زندگی کرد». (کیهان هفته 12 اسفند 1341: 6) «هدف و مضمون هر انقلابی تغییر اساسی روابط سیاسی - اقتصادی طبقات یک اجتماع با یکدیگر است، تغییری که خود به پیدایش یک سیستم اجتماعی می‌انجامد». (کیهان 19 فروردین 1350: 2)

سایر نشریات این دو مؤسسه نیز سوای محتوای تخصصی خود در حوزه‌های زنان، کودکان و جوانان، تحولات انقلاب سفید را پوشش می‌دادند. در اطلاعات دختران و پسران ایدئولوژی رسمی حکومت تبلیغ می‌شد: «سپاه دانش ایران داروی شفا بخش آلام بشری برای تمام جهان است، انقلاب شاه و مردم ریشه‌های خرافات و شیوه‌های کهن حاکم به سلامت روستائیان را برای همیشه از بین برد». (اطلاعات دختران و پسران 13 بهمن 1351: 3، 35) کیهان بچه‌ها علاوه بر تبیین انقلاب سفید برای کودکان و نوجوانان، مسابقه‌ای نیز برای تشویق و جلب توجه آنان به این موضوع ترتیب داد: «مسابقه کیهان بچه‌ها برای بزرگداشت دهه انقلاب سفید شاه و مردم با استقبال پر شور نوجوانان کشور روبرو شد و از تهران و همه شهرستان‌ها مقاله‌های جالب و هیجان انگیز به ما رسیده که همانطور که وعده داده بودیم به 3 نفر از کسانی که بهتر از همه نوشته بودند یک کره جغرافیایی از موسسه کارتوگرافی سحاب جایزه می‌دهیم» (کیهان بچه‌ها 1 بهمن 1351: 12). در یکی از مقاله‌های ارسالی، انقلاب سفید به زبان بسیار ساده‌ای توضیح داده شده بود: «همانطور که می‌دانیم اکثریت مردم در روستاها زندگی می‌کنند مردم روستاها بیشتر کارشان کشاورزی و دامداری است، آنها از صبح تا شب در دشت و صحرا کار می‌کردند - محصولی را که بدست می‌آوردند می‌فروختند و سود آن را به ارباب می‌دادند. لیکن بر اثر انقلاب سفید، اکنون کشاورزان هر یک دارای زمین مستقل می‌باشند. کسی به آنها ستم نمی‌کند چون آنها دیگر متکی به خود هستند». (همان) نشریات اطلاعات و کیهان مرتجع را همان کسی می‌دانستند که همواره شاه در سخنرانی‌هایش بیان می‌کرد یعنی روحانیونی که خواهان مداخله دین در سیاست‌اند و مانع پیشرفت کار اصلاح کشور می‌باشند و هدف آنان اضمحلال مملکت است. (پهلوی 1350: 20، 45) در نمونه‌ای از این دیدگاه‌ها چنین آمده بود: «روز پیروزی زن، زنانی که فرشته آزادی و انصاف دیو تعصب و جاهلیت را منکوب می‌کند. در واقع آزادی زن و دخالت او در کارهای اجتماعی و اداری کشور و تحصیل علم و هنر - بر خلاف معتقدات ارتجاعی مخالفین - به هیچ وجه با وظیفه مادری و کدبانوئی او مغایرتی ندارد». (اطلاعات بانون 16 دی 1342: 7) مرتجع در نظر آنان عموماً از قشر روحانیت جامعه بود: در پایین صفحه اول اطلاعات به نقل از وزیر کشاورزی حسن ارسنجانی آمده بود: «یک جوان معمم در کار اصلاحات



ارضی اخلال می‌کرد». (اطلاعات 23 فروردین 1341: 1)

### 3-2. دین دولتی و جایگاه آن در مطبوعات رژیم پهلوی

گفتمان پهلویسم دو رویکرد کلی در مواجهه با دین در پیش گرفت: نخستین رویکرد همانندسازی و تشابه برقرار کردن میان دین و سلطنت بود. بدین منظور ایدئولوگ‌های گفتمان پهلویسم دست به کار شده و با انتشار کتاب‌ها و ایراد سخنرانی‌هایی پیوند دین و دولت شاهنشاهی را تبیین کردند. عسکر حقوقی در کتاب «مذهب تشیع و آرمان‌های ملی ایرانیان» در بخشی با عنوان «پادشاهان تالی پیامبران» ضرورت جانشینی شاهانی که پیرو امامان شیعه هستند، چنین بیان می‌کند: «پادشاهانی که پیرو علی  $\beta$  نیستند در حکم غاصبان سلطنت می‌باشند و ظالم و تبهکارند. بنابر آنچه گذشت، قرابت و مشابهت در آراء و عقاید دینی و ملی و تلفیق آن دو در میان نیاکان هوشمند ما خود بخود وجود داشت و این اندیشه‌های ژرف یکی دیگری را به سوی خویش می‌کشانید تا آنجا که در قرون بعد یعنی در قرن‌های چهارم و پنجم و ششم به پادشاهان متشیع احترام فراوان می‌گذاشتند زیرا ایشان هم از دودمان‌های قدیم ایران و هم به آئین تشیع معتقد بوده اند». (حقیقی، 1353، 102) یا پیش از آن با خط درشتی در میانه صفحه آمده بود: «در صورتیکه پادشاه متشیع باشد یعنی پیرو علی  $\beta$  حق دارد به سلطنت برسد و تاج و تخت کیانی را از خود بداند». (همان، 98) وی در سخنرانی دیگری که در بابلسر انجام داد، با مرتبط کردن عدل در نظام فکری شیعه - همراه با ذکر حدیثی از امام علی  $\beta$  خطاب به مالک اشتر - با تقسیم اراضی که شاه انجام داد، کوشید اقدامات شاه را در راستای نظام فکری امامان شیعه قرار دهد. (حقیقی، 1353: 21 - 22) سید محمد باقر نجفی نیز به مناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی با تألیف کتاب «شاهنشاهی و دینداری» با قطع رحلی که خواسته بودند ابهت و عظمتی به آن داده باشند، وجهه دیگری از گفتمان پهلویسم را به نمایش گذاشت. (نجفی، 2535: مقدمه) شبیه همین اقدامات در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات نیز انجام شد. دکتر محمد رضا صالحی، قریب دو دهه تبیین‌گر دینی گفتمان زمینه در روزنامه اطلاعات بود. آن‌گونه که از نوشته‌های صالحی بر می‌آید، وی به دنبال خوانشی از مذهب بود که شباهت زیادی به عناصر دین دولتی گفتمان زمینه داشت. وی در مطلبی مصادف با شهادت امام علی  $\beta$  سعی در تطبیق سخنان امام علی با گفتمان متجدد حکومتی و تحولات سیاسی روز ایران و در نتیجه توجیه دینی این اقدامات داشت. وی در این مقاله با اشاره به سازمان بازرسی شاهنشاهی که به تازگی ایجاد شده بود، می‌نویسد: «علی  $\beta$ : بازرسان باید بر اعمال مأمور دولت ناظر باشند». (اطلاعات 20 آذر 1347:

10) وی در تحلیل دیگری بیان می‌کند: «از امتیازات بزرگ دین اسلام این است که از هر گونه فکر و عمل خرافی تهی است و منطبق با موازین علم و عقل است..» (اطلاعات 7 آبان 1343: 10)

صالحی کرمانی با ایجاد ستونی در یک صفحه از اطلاعات با تیترو: «تلاش در راه شناساندن دین»، در اولین مطلب خود چنین نوشت: «در جامعه کنونی ما سه گروه کاملاً متمایز داریم که یکسری زندگی خود را از دین و معتقدات دینی جدا نموده و بهیچ اصلی از اصول دینی معتقد نیستند، گروه دوم که گرفتار خرافات مذهبی‌اند و گروه سومی هم هستند که جمعیت قابل ملاحظه‌ای از جامعه کنونی ما را تشکیل می‌دهند طالب و خواهان یک دین صحیح و خالص هستند، دینی که آرامش و سعادت واقعی زندگی آنان را تأمین کند میل دارند که مذهب را بهمان اصالت و سادگی‌ای که از آسمان نازل شده بفهمند، نمی‌خواهند تسلیم افکار جاهلان‌های که احياناً در طی قرون و اعصار و از ناحیه نابخردان و یا مغرضین وارد در مذهب گردیده است بشوند». (اطلاعات، 21 خرداد 1343: 9) اشاره او به «افکار جاهلان» در «طی قرون و اعصار» یادآور سخنان محمدرضا شاه در میدان آستانه قم خطاب به مخالفین روحانی است. تأکید او بر جدا بودن دین از خرافات و مترقی بودن دین وجه تشابه دیگری بر همسویی او با گفتمان زمینه است. در روزنامه کیهان نیز دکتر صادق جلالی که او هم از خاندان علما بود، کم و بیش همان نقش دکتر صالحی را ایفا می‌کرد. وی در مقاله‌ای به مناسبت بعثت پیامبر، به نوعی انقلاب سفید را با بعثت حضرت محمد مرتبط و تلاش کرده اهداف مشابهی برای آنها بیابد، یکی آنجا که می‌گوید: «چرا محمد باید آزار ببیند؟ برای اینکه آنچه او در آینده خواهد گفت، مساوات است تقسیم سرمایه است و دگرگون شدن اساس و نظام اجتماعی است..» و در جای دیگر که به تیترو بزرگی هم بدل شده است، می‌نویسد: «انقلاب اسلامی [بعثت پیامبر اسلام] نظام اجتماعی کهنه و تفکر و فرهنگ جهان پوسیده را برانداخت و عصر جدید و انسان نوینی را پدید آورد. این یک انقلاب است، انقلابی که برای مردم آزادی در حقوق به ارمغان می‌آورد. تبعیضات نژادی را محکوم می‌کند، فساد و فحشا و تباهی را یکسره محو و نابود می‌سازد. اصل تقسیم سرمایه و توزیع عادلانه آنرا به منظور استقرار عدالت اجتماعی پی می‌افکند و حبس سرمایه را بشدت محکوم می‌کند». (کیهان، 4 شهریور 1352، 5) اشاره جلالی به مقوله تبعیضات نژادی که بحث روز گفتمان پهلویسم بود و همایش‌های تبلیغی زیادی در این باره به راه انداخته بودند - برگزاری این همایش‌ها نیز در کیهان و اطلاعات نقش برجسته‌ای می‌یافت - و همچنین تبلیغ ایده‌ی عدالت اجتماعی که شاه همواره برای توجیه انقلاب سفید به آن تمسک می‌جست، نمایانگر همفکری نویسندگان کیهان با گفتمان زمینه است.

دومین رویکرد گفتمان پهلویسم برجسته سازی وجوه غیر سیاسی دین بود. در تفسیر گفتمان پهلویسم از ائمه، بر مظلومیت و ستم‌دگی و فضایل اخلاقی آنان مانند رضا، تواضع، فروتنی، تسلیم و ... تأکید می‌شد. این ارزش‌ها از سویی مفاهیم مبارزاتی برای مخاطبان خود نداشت و از سویی دیگر ترویج آنها در میان توده مردم آنان را به انفعال سیاسی بیشتر سوق می‌داد. رویدادهایی چون شهادت حضرت علی یا واقعه کربلا و شهادت امام حسین  $\beta$  تنها انگیزه برپایی مراسم یاد بود عظیمی برای آن بزرگواران و فرصتی برای عزاداری و گریه زاری بود. توجه به جنبه‌های عاطفی این وقایع که از آن به قرائت سوگناک و فاجعه نگر نیز نامبرده شده است. (فراستخواه، 1377: 10) بخشی نیز به قرائت شفاعت جویانه و شهادت گرایانه خلاصه می‌شد. در این خوانش گفتمانی شهادت امری معرفی می‌شد که خاص قدیسن بوده، از دسترس مردم دور است و دیندارانی که نتوانسته‌اند از این توفیق و موهبت معنوی برخوردار شوند و پیوسته درگیر تضادهای زندگی دنیوی و متأثر از آلودگی‌های گناه بوده‌اند با یاد شهید و ابراز احساسات به او، قدری از احساس گناه در حضور خدا و نگرانی از بدبختی اخروی، خالی و سبک می‌شوند. (همان) صالحی کرمانی در تفسیر واقعه عاشورا، با بهره‌گیری از جنبه‌های عاطفی، این واقعه را برجسته می‌کند و بزرگترین مصیبت امام را تشنگی ایشان می‌داند: «آنچه که حتی بیش از قتل و شهادت آتش به جان مردم زده و قلبها و دلها را علیه یزید تحریک نموده همین مسئله تشنگی و محرومیت از آب است، زینب و زین العابدین از این راه حداکثر استفاده را نمودند، تا آنجا که لازم بود افکار مردم را علیه یزید تحریک کردند، روی این ماده آنچنان انقلابی پیا کردند که دامنه امواج آن هنوز پس از چهارده قرن به کرانه‌های زمان می‌خورد، و شور و ولوله‌ای خاموش ناشدنی، بر می‌انگیزد». (اطلاعات، 20 اردیبهشت 1344: 7) برجسته کردن صفات و رفتارهای فردی و کم‌توجهی به سایر وجوه شخصیتی و عملکردی امامان وجه دیگر این روایت‌سازی گفتمانی بود، دکتر صادق جلالی درباره امام علی  $\beta$  با نگرشی تک بعدی می‌نویسد: «در تاریخ عرب، خاصه تاریخ اسلام، مردی را نشان نداده‌اند که چون علی شمشیر زن و دلیر باشد. او در هیچ جنگی چه انفرادی و چه دسته جمعی مقهور نشد، هرگز شکست نخورد، وقتی پای به میدان می‌نهاد، گوئی تمام وجودش حرکت و جنبش بود. مانند آتش زبانه می‌کشید، در حالی که هرگز جوانمردی را از دست نمی‌نهاد، علی شمشیرش هرگز آلوده به خون بیگناه حتی در جنگ نشد». (کیهان، ویژه نامه شهادت امام علی  $\beta$ ، 21 مرداد 2537) یا در صفحه‌ای دیگر از ویژه نامه، این تیتراژ آمده بود: «ذوالفقار علی  $\beta$  فقط حق می‌شناخت». (همان)

## 3-3. غرب‌گرایی

گرایش به غرب و الگو‌گیری از آن در حوزه‌های علم، فرهنگ و خانواده، سیاست و به طور کلی در همه ابعاد در گفتمان پهلویسم محسوس بود. فعالیت‌ها و اقدامات در زمینه فرهنگ که عمدتاً با هدایت فرح پهلوی صورت می‌گرفت علی‌رغم توجه به آداب و رسوم سنتی، هنرهای ملی و حتی مذهبی؛ روح کلی و حاکم بر آنها مدرنیزاسیون و غرب‌گرایی بود. (آصف، 1384: 457، 460) جشن هنر شیراز که هر ساله (از سال 1346) در شهر یور و به مدت دو هفته برگزار می‌شد نمونه‌ای از آن بود. (جشن هنر شیراز به روایت اسناد ساواک 1381: 4) جشن هنر شیراز با تیترو: بزرگترین رویداد هنری سال! (اطلاعات، 10 شهریور 1347: 11) و اختصاص ده الی پانزده شماره در صفحه «هنر امروز»، وقایع این جشن گزارش و مواردی از اجراهای تئاتر، رقص‌های باله، موسیقی و ... (اطلاعات 27 شهریور 1347: 11) با ضمیمه عکس‌هایی منعکس می‌شد. در سال‌های بعد، دو ماه پیش از برگزاری جشن یعنی از تیر ماه به استقبال این جشن می‌رفتند. (اطلاعات 25 تیر 1349: 9) گرایش به غرب در حوزه سیاسی بیش از هر چیز با برجسته‌سازی سخنان مسئولین کشور قابل مشاهده است: «شاه: اگر من به کوشش و مساعی خود ادامه می‌دهم فقط و فقط برای خدمت به کشورم و به طور غیر مستقیم به جهان غرب است». (اطلاعات 24 مرداد 1341: 1) «امینی: من با سیاست بیطرفی کاملاً مخالف هستم، ما جانب غرب را برگزیده‌ام و به نظر ما سیاست بیطرفی هیچ گونه ارزشی ندارد». (اطلاعات 14 اسفند 1340: 1، 19) طرفداری و تمایل به نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد با وجود تلاش گردانندگان این نشریات برای رعایت بی‌طرفی در گزارش اخبار و رویدادهای جهان در برخی از گزارش‌ها دیده می‌شود. برای نمونه در بحبوحه انتخابات ونزوئلا و درگیری آن کشور با کوبا، عکسی از رئیس‌جمهور هوادار آمریکا چاپ شده، در زیر آن چنین آمده بود: «رئیس جمهوری ونزوئلا در یکی از حوزه‌های رأی‌گیری در زیر شلیک شدید مسلسل تروریست‌ها رأی خود را به صندوق می‌اندازد». (اطلاعات 12 آذر 1342: 4) در زمینه علمی، یگانه راه حل پیشرفت، الگو قرار دادن غرب بود: «انقلاب علمی یعنی تغییر روش و مسیر تفکر، از تفکر سخت‌گرا و قدیم به تفکر علمی جدید تلاش و کوششی است که می‌تواند کشورهای آسیای و آفریقایی و آمریکای لاتین را به سر منزل مقصود رهبری کند». (اطلاعات 21 خرداد 1348: 17) پیشرفت غرب در دستیابی به قدرت اتمی و همچنین فرستادن انسان به فضا در دهه 60 میلادی؛ با تحسین و شگفتی فراوان مطبوعات ایران همراه بود: «اینک فرزندان آدم عصیان بزرگ خود را برای دست یافتن به اسرار نهفته آسمان آغاز کرده‌اند. آدمیزاد درهای محکم تبعید گاه خاکی خود را شکسته و بر دروازه آسمان

چنگ انداخته است. حادثه بزرگی واقع شده است بی‌شک این طغیان جسارت آمیز دنیای تازه‌ای را به روی بشر خواهد گشود. (اطلاعات 25 تیر 1348: 2) این واقعه سبب شد که در برخی مواقع تفکر در سنت علمی پیشینیان طرد و تحقیر و در مقابل گرایش به غرب تقویت و برجسته شود: «هدف ما در تنظیم کیهان هفته این است که تو را به گهر منابع علمی و فکری جهان با قوانین و سنت‌های تازه زندگی آشنا کنیم - آینده بس شگفت‌انگیز و حیرت آور است؛ آینده همان جهان است؛ جهانی که با شکافتن اتم و رها کردن نیروی آن، در آستانه عظیم‌ترین تحولات فکری و علمی قرار گرفته است و در این صورت باید شرایط زندگی فردی و اجتماعی را در مقیاس این جهان حیرت‌انگیز بررسی کردند با قیاس‌های حقیری که تا کنون فکر و روح ما در شعاع آنها تربیت یافته است». (کیهان هفته 28 اسفند 1341: 6) آنان در تحقیر و در نهایت تخریب آداب و رسومی که سنتی چند هزار ساله داشت، مقالات متعددی منتشر کردند. زالو اندازی و حجامت یکی از گزارش‌های روزنامه اطلاعات در همین موضوع بود. در این مقاله پس از گزارشی از تاریخچه این عمل، از رونق افتادن آن سخن گفته شد و در کوچک شمردن افرادی که چنین کاری انجام می‌دادند، آمده بود: «زالو اندازی هم یکی از کارهای طبی ایرانیان قدیم بود، هنوز هم این کار طرفداران کوتاه فکری دارد، اما بازارش گرمی پیشین را از دست داده است». (اطلاعات 16 آذر 1349: 5) بنابراین در هر زمینه علمی مرجع فکری غرب شناخته شد. در حوزه تربیت کودکان و مشکلات تربیتی نیز دست‌آوردهای غربی چاره کار دانسته می‌شد: «معمای پیچیده و لاینحل نیست و با استفاده از علم جدید روانشناسی قابل حل است». (اطلاعات بانوان، 5 اردیبهشت 1339: 26، 47)

غرب گرایی در مطبوعات محدود به حوزه علمی یا سیاسی نبود، اطلاعات و کیهان در حوزه مسائل خانواده نیز غرب و راهکارهای غربی را برگزیدند. این تمایل افراطی به سبک و سیاق زندگی غربی است که بر آن غرب زدگی نام نهاده‌اند. اطلاعات ماهانه، در گزارشی بی‌محابا که خبرنگار اختصاصی آن در نیویورک از خانواده‌ای آمریکایی تهیه کرده بود و طی آن زندگی یک زوج آمریکایی الگوی بی نقص یک خانواده اعلام شده بود با این تیترو: «جفت کامل زن و مرد آمریکایی. الگوی بی نقص خانواده». (اطلاعات ماهانه شماره اول دوره جدید 1337: 60) رهاورد چنین تفکری ضرورت نزدیکی و آشنایی فرهنگی جوانان ایرانی با سبک زندگی جوانان غربی بود: «جوانان ایرانی که یک سال در میان خانواده‌های آمریکایی زندگی خواهند کرد». (اطلاعات 11 مرداد 1341: 1، 5) این غرب زدگی با توسعه روابط سیاسی و فرهنگی ایران و آمریکا تجدید شد و علاوه بر انعکاس اخبار انجمن ایران و آمریکا (اطلاعات 23 مرداد 1342: 10)، با بزرگداشت و تکریم شخصیت‌های

سیاسی آمریکا گسترش یافت. (اطلاعات 9 اردیبهشت 1342: 7، 12) برای نمونه جان اف کندی را با لفظ شهید خطاب کردند: «او شهید راه حق شد و در قرن بیستم درس بزرگی از مبارزه در راه حق بمردم جهان داد» (اطلاعات 2 آذر 1342: 12) و او را جزو بهشتیان قرار دادند: «نامه‌ای از بهشت» (اطلاعات هفتگی 21 آبان 1343: 8)

### 3-4. عرفی گرایی

عرفی گرایی در مفهوم کلی خود به اموری اشاره دارد که دنیوی و این جهانی‌اند و اساس آنها از دین گرفته نشده است و لزوماً در تقابل دین قرار نمی‌گیرند؛ (گولد 1376: 416؛ العطاس 1374: 13، 16) اما در ایران هر گونه تلاش برای عرفی سازی به دلیل ماهیت مذهبی جامعه، چیزی جز مبارزه با دین و مذهب تلقی نمی‌شود. به سخن دیگر سکولاریسم ناشی از مرجعیت عقل به تقدس زدایی، رمزگشایی، تفکیک حوزه دین از عرصه عمومی و شخصی شدن آن می‌انجامد. رویکرد گرایش صرف به دنیا که از ارمغان‌های عرفی گرایی بود سبب شده بود که در نزد برخی از نخبگان مطبوعاتی؛ رفاه مادی، کمال مطلوب دانسته شود: «... رقابت‌های سالم اقتصادی در ایالات متحده به طرز معجزه آسایی به رفاه مردم انجامیده است. من با علاقه فراوان دریافتم که در فاصله دو سفر کوتاه به ایالات متحده، سطح زندگی مردم به میزان قابل ملاحظه‌ای بالا رفته است. اخیراً سطح زندگی و رفاه مردم آمریکا تا آن اندازه بالا رفته است که هر خانواده آمریکایی می‌تواند دو اتومبیل داشته باشد و کارشناسان اقتصادی اظهار نظر می‌کردند که تا چند سال دیگر هر خانواده آمریکایی دارای به طور متوسط سه اتومبیل خواهد شد». (اطلاعات 13 شهریور 1344: 5) توجه به امور این جهانی و مادی گرایانه حتی در تبلیغات روزنامه‌ها نمایان بود: تصویری از یک مرد بر روی مبل و سیگار به دست که دور تا دور او را زنانی زیبارو احاطه کرده بودند و در توصیف این عکس چنین نوشته شده بود: «این پروانه‌ها که گرد شمع وجود آقا به پرواز در آمده‌اند برای آن است که وی فقط سی ریال داده و یک میلیون ریال جایزه ممتاز بلیط‌های فصلی اعانه ملی را برده ... بله، بلیط‌های سی ریالی اعانه ملی آدمی را از حسیض ذلت به اوج رفعت می‌رساند». (اطلاعات 1340: 1)

عرفی گرایی در جامعه تقدس زدایی بیش از دیگر موارد به چشم می‌خورد. نمونه اعلی از این دست را باید در اولین شماره سال 1340 روزنامه اطلاعات جستجو کرد. در صفحه اول این روزنامه خبر سکنه آیت الله بروجردی مرجع عالیقدر تشیع در کنار خبر و عکسی از مدرسه دخترانه بدون حجاب شرعی منتشر شده بود. (اطلاعات 6 فروردین 1340: 1) علاوه بر عدم رعایت وزن خبری

سکته عالی‌ترین مرجع تقلید شیعیان با خبری از یک دیدار تشریفاتی شاه از مدرسه دخترانه، کنارهم قراردادن این دو، نشانه‌ای از تقدس زدایی به همراه دارد. طرح بی‌پرده موضوعات جنسی در جامعه‌ی دینی ایران قرینه دیگری بر تقدس زدایی بود. چنین مواردی اکثراً در نشریات زن روز و اطلاعات بانوان منعکس می‌شد. (اطلاعات بانوان 17 مهر 1344: 3) توجه نکردن به الگوها و اسطوره‌های دینی در انتخاب روز مادر قابل ردیابی است. در میان الگوهای مجله اطلاعات بانوان کمتر نامی از حضرت فاطمه  $\eta$  و سایر بانوان تکریم شده در دین اسلام دیده می‌شود: «شیر زنانی چون مادر حسک وزیر، مادر سهراب یل، مادر جعفر برمکی، اسطوره‌های متعالی مادر در این سرزمین‌اند. در تذکره الاولیا شیخ فرید الدین عطار نیشابوری به داستان مادران بسیاری از متصوفه و عرفا بر می‌خوردیم که به برکت انفاس قدسی آنان، فرزندانشان راه خدا جسته‌اند». (اطلاعات 18 آذر 1348: 17، 19) در معدود مواردی که به زندگانی ائمه اسلام پرداخته می‌شد، نشانه‌های ایدئولوژی سلطنتی مشهود بود. انتخاب عنوان ملکه برای حضرت فاطمه  $\eta$  نمونه بارز چنین دیدگاهی بود: «زندگی نامه ملکه اسلام فاطمه زهرا». (اطلاعات بانوان 13 مرداد 1349: 4)

عرفی‌گرایی بیش از هر موضوعی در مسائل زنان متمرکز شده و بحث برانگیز بود. گفتمان متجدد حکومتی دو ارزش اساسی و مرتبط با هم را در این حوزه پیگیری می‌کرد: ترویج الگوهای فرهنگی غرب و وارد کردن زنان به عرصه‌های عمومی. (اکبری 1382: 240، 241) لازمه‌ی ترویج الگوهای فرهنگی غرب به چالش کشیدن دیدگاه‌های پذیرفته شده‌ای همچون ضرورت حجاب بانوان، عدم اختلاط دختران و پسران در محیط‌های مختلف، تعصب و غیرت مردانه، سنت‌هایی همچون ازدواج و متعلقات آن همچون مهریه، شیربها و در مواردی قوانین اجتماعی بود. در مسئله پوشش ابتدا حجاب اسلامی را رویاروی تمدن متجدد امروزی قرار می‌دادند. برای نمونه یکی از مجلات عکسی تمام قد از زنی با روپوش و پوشیه انداخته و در زیر آن به طعنه نوشته بود: «در عصر فضا که تا چندی دیگر اولین زن فضانورد پهنه آسمان را در خواهد نوردید، آیا زن ایرانی می‌تواند به پانصد سال پیش بازگردد». (اطلاعات بانوان 27 خرداد 1342: 3) همزمان با مشروعیت زدایی از حجاب، طرح‌هایی برای نوع پوشش مناسب ارائه و تبلیغ می‌کردند: «ما دیوارهای زندان زن را شکافتیم! مرد دانشمندی که برای اولین بار در خانواده خود کشف حجاب کرد و به دختر عموها و پسرعموها گفت از هم رو نگیرید!» (زن روز 17 دی 1346: 2، 3) مسئله بحث برانگیز دیگری که حتی به مناقشه‌ای درون‌گفتمانی تبدیل شده بود، ارتباط دختران و پسران و نحوه برقراری ارتباط آنها بود. در این موضوع نیز مطبوعات به طرد و تحقیر سنت‌های جامعه پرداختند: «در

کرمان اگر پسر و دختری حتی یک ملاقات ساده داشته باشند، ننگ خانواده تلقی می‌شود. سمینار به پدران و مادران برای قبول معاشرت‌های سالم فرزندانشان توصیه می‌کند. معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج در رضائیه گناه محسوب می‌شود». (اطلاعات 10 فروردین 1343: 1) پس از آن با چاپ عکس‌هایی از روابط آزاد دختر و پسر قبل از ازدواج می‌نویسد: «دختر و پسرها به خوبی و بدون نگرانی با هم در حال گفتگو هستند». در کنار هم قرار گرفتن دختر و پسر در مدارس در همه رده‌های سنی خواسته‌ی اصلی این مجلات بود: «توسعه ارتباط دو جنس از طریق فعالیت‌هایی که دارای کیفیت اجتماعی، فرهنگی و ورزشی هستند ضروری و غیر قابل اجتناب است». (زن روز 17 مرداد 1349: 7)

رویکرد این دو مؤسسه در پاسخ‌گویی به مسائل ازدواج در ایران نیز مبتنی بر نقد سنت‌های رایج و حتی کنار گذاشتن آنها استوار بود. مجله زن روز تلاش‌های پیگیر و چندین ساله‌ای برای کنار گذاشتن سنت مهریه انجام داد: «طغیان علیه مهریه. شعار روز: دختران دم بخت می‌گویند ما مهریه نمی‌خواهیم بلکه تضمین مالی و قانونی می‌خواهیم». (زن روز 21 تیر 1348: 7) این رویه زن روز در سال‌های بعد نیز ادامه داشت: «مهریه، شکست خورده است». (زن روز 10 فروردین 1353: 8، 9، 102) عدم اعتقاد آنان به سنت‌های مقبول ازدواج در ایران سبب شد که با اعزام نماینده‌ای به اروپا از مشهورترین مراکز راهنمایی زناشویی و همسریابی آنجا گزارش تهیه کنند: «او رفته است تا درباره موسساتی که بعنوان مرکز زناشویی در ممالک مترقی تأسیس شده‌اند گزارش به هیئت تحریره زن روز تقدیم دارد». (زن روز 16 آبان 1346: 15) کنار گذاشتن قطعی سنت‌های جامعه زمانی مشهود شد که آنان به صراحت اعلام کردند که غربی‌ها مرجع حقیقی در این باره هستند: «خانم متی گرگوار نویسنده مشهور فرانسوی بیش از هر کسی صلاحیت اظهار نظر کردن درباره عشق و ازدواج در قرن 20 را دارد. مطالبی که خانم متی گرگوار در نهایت صراحت می‌گوید مربوط به اروپا، فرانسه یا انگلیس نیست بلکه هر جا که حتی یک دختر و پسر امروزی متجدد در آن زندگی می‌کنند این مطالب شامل حال آنها می‌شود». (زن روز 21 فروردین 1350: 10) پیگیری‌های این مجله سرانجام به آنجا ختم شد که از تشکیل سازمان ازدواج و مشاوره خانوادگی خبر دادند و درج آگهی در این باره را اعلام کردند. (زن روز 9 آبان 1349: 4، 5، 6) تعصب و غیرت غیر مستقیم در این مجلات به نقد کشیده شده بود. ماجراهای مصور مراد علیخان روایتگر مرد متعصبی بود که همسر خود را از پوشش غربی نهی می‌کرد و در همان حال خود به دیدن زنانی با چنین پوششی اشتیاق فراوان داشت. (اطلاعات، 22 تیر 1346: 16)



تساوی و برابری زن و مرد از ایده‌های اصلی گفتمان تجددگرای حکومتی بود: «آیا در میان چنین جامعه و ملتی زن باید این همه ذلیل و زیر دست بماند و مرد از هر جهت بر او فرمان براند؟ زن روز چه پارسال و امسال و حتی تا یک قرن بعد این حقایق را شجاعانه بازخواهد گفت که زن و مرد ایرانی در عرصه حقوق زناشویی و خانوادگی حقوق مساوی بدست آورند و بنیان سعادت خانوادگی در مملکت ما بر اساس عدالت و تساوی بدون هر گونه خدشه و خللی پی ریخته شود». (زن روز 1345 سرمقاله فروردین) آنان بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی ایران و غرب، بر ضرورت یکسان‌سازی فرهنگی تأکید داشتند و از وضعیت زندگی دختران ایرانی انتقاد می‌کردند: «زنان و دختران مقیم شهرستان‌ها در قید و بندهای وحشتناکی اسیرند و کسی هم به فکر آنها نیست». (اطلاعات بانوان 7 خرداد 1341: 11؛ 4 تیر 1341: 5) علاوه بر این، از وضعیت زندگی زنان سایر کشورهای مسلمان نیز انتقاد می‌شد: «در ژرفنای زندگی زنان الجزایر حاکمیت قرون وسطایی حکومت می‌کند». و با چاپ عکس زنی با حجاب و پوشیه آمده بود: «زن الجزایری باید مطیع محض شوهر و مادر شوهر خود باشد». (اطلاعات 23 بهمن 1345: 14) در کنار نقادیه‌های آنان از سنن اسلامی، الگوهای زندگی زن غربی ترویج می‌شد: «در انگلستان دخترها وقتی عاشق می‌شوند آزادی خود را از قید قوانین اخلاقی اعلام می‌دارند، زنها عاشق سیگار، کاموا، رنگ‌های عجیب و غریب، سیاحت و آشپزخانه هستند. (اطلاعات 1 خرداد 1341: 7) .. فریبا، بازیگر - بلهوس ... اینست زن فرانسوی!» (اطلاعات، 19 اردیبهشت 1341: 7)

### 3- 5. اشاعه وفاداری به شاه و سلطنت پهلوی

تبلیغ شاه دوستی که یکی از نشانه‌های گفتمان پهلویسم محسوب می‌شد، از وظایف اطلاعات و کیهان، به ویژه اطلاعات بود تا جایی که در همان دوران، اطلاعات روزنامه‌ای محافظه کار شناخته شد. انعکاس اخبار دیدارهای شاه با نمایندگان خارجی و بزرگ نشان دادن او از میان صحبت‌های آنان، یکی از شگردهای مطبوعات برای بالا بردن میزان وفاداری مردم به شاه بود: «روزنامه‌های لندن: نظر رهبر ایران در تعیین سیاست دولت جدید بریتانیا نقش اساسی دارد». (کیهان، 20 تیر 1349: 1) همچنین به بهانه‌ی برگزاری جشن‌های ایدئولوژیک شاه و سلطنت و لزوم وفاداری به آنها تبلیغ می‌شد. 17 دی سالروز کشف حجاب، گرمی داشت نجات شاه از ترورهای نافرجام، کودتای سوم اسفند و 28 مرداد، تولد شاه و پدرش، تولد ولیعهد، تولد فرح دیبا، سالروز نجات آذربایجان، و مهمتر از همه جشن‌های تاج گذاری و پس از آن جشن‌های دوهزار و پانصد ساله

مهمترین جشن‌های ایدئولوژیک بود. در دو جشن اخیر علاوه بر آنکه کوشش زیادی از سوی برخی نخبگان علمی جامعه همزمان با تاج گذاری محمدرضا شاه در سال 1346 برای آماده‌سازی افکار عمومی انجام گرفت (رضا زاده شفق، 1346: 2 - 9؛ مشکوتی، 1346: 27، 39؛ صفا، 1346: 11 - 16؛ انوار، 1346: 14 - 15؛ بیضایی، 1346: 292 - 296؛ افشار، 1346: 381 - 382)، اطلاعات و کیهان نیز مقالات فراوانی منتشر کردند. این استقبال به گونه‌ای بود که موسسه اطلاعات بیش از شش ماه قبل از برگزاری مراسم با تشکیل کمیته‌ای از جشن‌های دو هزار و پانصد ساله پشتیبانی کرد: «از چندی به این طرف کمیته خاصی در موسسه اطلاعات تشکیل شده است که موجبات شرکت هر چه موثرتر نشریات اطلاعات را در جریان جشن‌های بزرگ مهرماه فراهم می‌سازد و با اجرای برنامه‌هایی که این کمیته آماده و اجرا خواهد کرد ما امیدواریم بتوانیم در این رویداد بزرگ تاریخ ایران خدمت ملی و مطبوعاتی خود را چنانکه شایسته چنین مراسمی است به انجام رسانیم». (اطلاعات 15 تیر 1350: 2) در یکی از شماره‌ها شعری درباره شاه به چاپ رسید که در دو بیت ابتدایی آن چنین آمده است:

پادشها! عیش وطن عیش تُست      بهر وطن عیش و خوشی کن دُرست  
گوی که اعیاد کهن نو کُنند      یاد زعهد جم و خسرو کنند  
(اطلاعات 19 مهر 1350:

(17)

رویه حمایت از شاه و تبلیغ وفاداری به شاه یا شاه پرستی، روند تکمیلی و افزایشی داشت، چنانکه در سال 1349، اطلاعات در تعریف و تمجید از شاه به جایی رسید که تعداد صفحات آن برای اولین بار در تاریخ مطبوعات خاورمیانه، به بالای 100 صفحه بالغ شد: «برای اولین بار اطلاعات در 108 صفحه: بمناسبت روز فرخنده چهارم آبان شماره یکشنبه 3 آبان 1349 برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات ایران و شاید خاورمیانه است که روزنامه‌ای در 108 صفحه انتشار می‌یابد. و بر همان قیمت سابق» (اطلاعات، 3 آبان 1349: 1).

#### 4. نتیجه گیری

موسسه‌های مطبوعاتی اطلاعات و کیهان به عنوان بخشی از حاملان گفتمان پهلویسم با طرح و ارائه بخشی از درون مایه‌ها و ایده‌های گفتمان پهلویسم به گسترش نزاع دو گفتمان رقیب دامن زدند و خواسته یا ناخواسته با غیریت سازی گفتمانی در رشد و تقویت گفتمان اسلام سیاسی ایفای

نقش کردند؛ زیرا این گفتمان در جامعه ایرانی وجود داشت و با رشد مشکلاتی که توسط رژیم پهلوی و دوران استداد در ایران به وجود آمد، تقویت گردید تا جایی که به جدی‌ترین مخالف گفتمان پهلوی تبدیل شد. برخی از اقدامات رژیم پهلوی در عرصه مطبوعات که منجر به تقویت و رشد اسلام سیاسی در برابر گفتمان حاکم بود نیز به قرار زیر است؛ اول- پذیرش و تبلیغ گسترده و مطلق انقلاب سفید و پوشش ندادن انتقادهای مخالفین در این باره و حتی توهین و تخریب آنان به پیدایش و گسترش اندیشه‌های ضد سلطنتی در گفتمان اسلام سیاسی انجامید؛ دوم- رواج بدون نقد و پیرایش غرب‌گرایی در تمام زمینه‌ها سبب در پیش گرفتن سیاست‌های ضد امپریالیستی، نه شرقی و نه غربی از سوی گفتمان رقیب شد و در این گفتمان، اسلام به عنوان یک ایدئولوژی ضد امپریالیستی مطرح شد؛ سوم- پذیرش و تبلیغ عرفی‌گرایی که عمدتاً با تقدس‌زدایی از امور مقدس جامعه همراه بود و در مجموع برجسته‌سازی نشانه‌های گفتمان حاکمیت را به همراه داشت، موجب رواج این اندیشه از سوی حاملان گفتمان اسلامی شد که دین و سیاست توأمان و غیر قابل تفکیک هستند. البته اندیشه همراهی دین و سیاست در گفتمان اسلام سیاسی وجود داشت اما با کارشکنی‌ها و امور تبلیغاتی رژیم پهلوی، این موضوع برجسته‌تر شد و حامیان اسلام ناب محمدی (ص) و گفتمان اسلام سیاسی، بر پیوند دین و سیاست تأکید بیشتری نمودند تا در برابر تبلیغات سیاسی رژیم پهلوی واکنش مطلوبی از خود نشان داده باشند؛ چهارم- تلاش مطبوعات برای به خدمت گرفتن مذهب و آئین‌های مذهبی با برجسته کردن جنبه‌های شفاعت‌جویانه، سوگوارانه و فاجعه‌نگر آن، سبب تقویت جنبه‌های شهادت‌جویانه و ظلم‌ستیزانه از مذهب و الگوهای مذهبی در قرائت گفتمان اسلام سیاسی شد، تا جایی که انقلابیون و هواداران گفتمان اسلام سیاسی به تفسیر و تبیین جنبه‌های حقیقی قیام امام حسین (ع) پرداختند و سعی کردند تا قیام عاشورا را مبتنی بر به دست‌گیری قدرت و تعویض حکومت تفسیر نمایند. به عبارتی، جنبه‌های ضداستبدادی، ایستادگی در برابر طاغوت، حراست از آموزه‌های سیاسی دین و ... مورد تأکید قرار گرفتند. پنجم- مطبوعات یاد شده در مسائل مربوط به گفتمان پهلویسم، از استقلال نظری برخوردار نبودند، بلکه دیدگاه‌های حاملان این گفتمان را منعکس می‌کردند. در نهایت اینکه ورود نخبگان مطبوعاتی دو مؤسسه کیهان و اطلاعات به مسائل فرهنگی و ارتباط قوی و نزدیک آنان با حاکمیت در تولید ایدئولوژی یکدست و یکپارچه پهلوی و تجددخواه استبدادی، سبب شد گفتمان اسلام سیاسی تقویت شود و در برابر گفتمان حاکم، مقاومت بیشتری نماید تا از این طریق بتواند از مولفه‌های اسلام سیاسی نظیر عدالت‌خواهی، صبر و استقامت در ظلم و حاکمان مستبد، آزادی حقیقی، حمایت از مظلومان، رواج اندیشه‌های اسلامی و ... حراست نمایند.

از این رو، تبلیغات مطبوعاتی رژیم پهلوی نه تنها نتوانست در تقویت گفتمان پهلویسم موفق باشد بلکه بر انسجام و رشد گفتمان اسلام سیاسی نیز موثر واقع شد.

## منابع

### الف. کتب و مقالات

۱. آصف، محمد حسن (1384). *مبانی ایدئولوژیک دولت پهلوی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. اکبری، محمد علی (1382). *دولت و فرهنگ در ایران*، تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
۳. برزین، مسعود (1344). *سیری در مطبوعات ایران*، تهران: بی نا.
۴. پهلوی، محمد رضا (1350). *انقلاب سفید*، تهران: چاپ کیهان.
۵. \_\_\_\_\_ (1356). *به سوی تمدن بزرگ*، تهران: کتابخانه پهلوی.
۶. جشن هنر شیراز به روایت اسناد ساواک (1381)، تهران: مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات.
۷. العطّاس، سید محمد نقیب (1373). *اسلام و دنیوی گری (سکولاریسم)*، ترجمه احمد آرام، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و ایستاک.
۸. حقیقی، عسکر (1353). *مبانی ملی و مذهبی انقلاب اجتماعی ایران*، بابلسر.
۹. \_\_\_\_\_ (1353). *مذهب تشیع و ارمان های ملی ایرانیان*، تهران: چاپخانه نقش جهان.
۱۰. فرگولو، ناصر (2006). *از انقلاب سفید تا انقلاب اسلام؛ زمینه ها و ریشه های یابی عوامل*، پاریس: بی نا.
۱۱. گلد، جولیس و ویلیام کولب (1376). *فرهنگ علوم اجتماعی*، گروه مترجمان، تهران: انتشارات مازیار.
۱۲. معدل، منصور (1382). *طبقه سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران*، ترجمه سالار کسرابی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران..
۱۳. مهر آئین، مصطفی (1386). *شرایط تولید فرهنگ: ریشه های ظهور مدرنیسم اسلامی در هند، مصر و ایران*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. نجفی، سید محمد باقر (2535). *شاهنشاهی و دینداری*، تهران، سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران.
۱۵. افشار، محمود (1346). «به مناسبت تاجگذاری اعلیحضرتین، جهان نو»، مجله یغما، مهر، ش 23.

۱۶. انوار (1346). «این همایون تاج، شه از دست پیغمبر گرفت»، مجله کانون، ش 122.
۱۷. بیضایی، پرتو (1346). «تاج آریامهر»، مجله ارمنان، دوره سی و ششم، ش 496.
۱۸. ذکاء، یحیی (1346). «تاج‌ها و تخت‌های سلطنتی ایران»، مجله هنر و مردم، مهر، ش 60.
۱۹. صفا، فضل‌الله (1346). «شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانو به پیروی از سنت باستانی تاج خسروی بر سر میگذارند»، مجله آموزش و پرورش، ش 195 و 196.
۲۰. فراستخواه، مقصود (1377). «هرمنوتیک عاشورا، نگاهی به ده قرائت از عاشورا»، روزنامه ایران، خرداد.

۲۱. moaddel, mansoor (1992). "Ideology as Episodic Discourse: The Case of Iranian Revolution", American Sociological Review, Vol. 57, No. 3 (Jun).
۲۲. Milani, abbas.(2008). *Eminent Persians the men and women who made modern Iran, 1941 – 1979*. New York: Syracuse university press.
۲۳. moaddel, mansoor.(2006). *Islamic modernism, nationalism and fundamentalism: Episode and Discourse* Chicago: The university of Chicago press.

#### ب. نشریات

۱. روزنامه اطلاعات: 6 خرداد 1341، 16 مرداد 1348، 2 آذر 1342، 5 بهمن 1354، 1 دی 1349، 20 آذر 1347، 7 آبان 1343، 23 فروردین 1341، 3 آبان 1349، 15 تیر 1350، 19 مهر 1350، 10 شهریور 1347، 27 شهریور 1347، 25 تیر 1349، 24 مرداد 1341، 14 اسفند 1340، 12 آذر 1342، 21 خرداد 1348، 25 تیر 1348، 16 آذر 1349، 11 مرداد 1341، 23 مرداد 1341، 9 اردیبهشت 1342، 13 شهریور 1344، خرداد 1340، 6 فروردین 1340، 6 فروردین 1340، 10 فروردین 1347، 22 تیر 1346، اول خرداد 1341، 19 اردیبهشت 1341، 21 خرداد 1343، 20 اردیبهشت 1344، 6 مهر 1348، 20 آذر 1347.
۲. روزنامه کیهان: 7 فروردین 1342، 4 اردیبهشت 1342، 6 فروردین 1342، 19 فروردین 1350، ویژه نامه شهادت امام علی (ع)، 21 مرداد 1357، 20 تیر 1349، 4 شهریور 1352.
۳. اطلاعات بانوان: 5 اردیبهشت 1339، 17 مهر 1344، 13 مرداد 1349، 27 خرداد 1342، 7

- خرداد 1341، 1341/4/4، 16 دی 1342، 6 فروردین 1340، 13 مرداد 1349.
۴. زن روز: شنبه 17 دی 1346، 17 مرداد 1349، 21 تیر 1348، 10 فروردین 1353، 16 آبان 1349، 21 فروردین 1350، 9 آبان 1349، فروردین 1345.
۵. اطلاعات ماهانه، شماره اول دوره جدید 1337؛ اطلاعات دختران و پسران: 7 آبان 1344، 13 بهمن 1351؛ کیهان هفته: 21 بهمن 1341، 12 اسفند 1341، 28 اسفند 1341؛ اطلاعات هفتگی: 21 آبان 1343؛ کیهان بچه ها: 1 بهمن 1351.